

ای دوست بیا خرده به بابام بگیریم

مازنده به آنیم که آرام بگیریم روزی نگذشته‌است که ما وام بگیریم

چون وام بگیریم نباشد غم برداخت /زشت است از این موقعیت کام بگیریم

وقتی که پدر پشت فلان میز مدیر است/مانیز زن خوب چرانام بگیریم

از این پدر خوب چرا و به چه علت/قول دو سه تا وام سر شام بگیریم
او یک پدر است و همه فکرش زن و فرزند/ای دوست بیا خرده به بابام بگیریم



مهدی استاد احمد

شعر طنز

حرف تو حرف

محمدعلی ابطحی

معنویت دل



می‌گویند عالمی اهل دقت و وسواس بر سر حوض مسجدی نشسته بود تا وضو بپسازد. با دقت تمام لای انگشت‌ها را آب می‌رساند، پنج دقیقه‌ای گذشته بود و هنوز به شستن دست راست مشغول بود. دعاهای مستحب را هم در لابه‌لای وضو می‌خواند. در آنتای وضوی عالم بزرگ، جوانی از راه رسید. همان جا با سرعت آستین را بالا زد و کمتر از زمانی که عالم وقت برای شستنوی دست چپ گذاشته بود، وضو گرفت و به داخل مسجد رفت و هنوز شیخ کاملاً از کنار حوض بلند نشده بود، برگشت و به طرف در مسجد رفت. شیخ او را صدا زد: گفت با این عجله و سرعت چطور وضو گرفتی و نماز به جا آوردی. به احتمال قوی نه وضویت کامل بود و نه نمازت مقبول. جوانک بی‌اعتنا به سمت در مسجد رفت، گفت من وضو ساختم و نمازی با سرعت خواندم که فقط به خدایم بگویم قبولست دارم و در برابر تو عصیانگر نیستم. و جزو بندگان توام. همین من را کافی است. جواب و عکس‌العمل آن عالم متفی را نمی‌دانم، شاید افسوس خورده باشد به این همه معنویت ساده. شاید هم جوانک را از دایره نمازگزاران و دینداران بیرون دانسته باشد. تفسیری که شاهدیم خیلی‌ها از دین و خدا دارند. نظر آنان مهم نیست. این اتفاق داستان هم باشد عارفانه‌ترین گفت‌وگو است. کسانی می‌توانند و خوشا به حال شان که وضو و نماز و عبادت را با همه مستحبات بخوانند. اما جامعه امروز ما مثل همان جوانک است. عاصی شماردن جامعه در برابر خدا بزرگ‌ترین گناه است. اگر با نگاه آن جوانک مردم را ببینیم، جامعه ما و بسیاری از مردم دنیا در برابر ذات قدرتمندی که به او پناه می‌برند، عصیانگر نیستند. دوستش دارند. آنهایی که در متر و اندازشان بر این باورند که خدا آن قدر سختگیر است که همه گناهکاران را خارج از حیظه دینداران ببیند، بدترین عامل رواج عصیانگری علیه دین و خدا هستند. در متر خدای مهربان، مهم این است که عصیانگر علیه خدا نباشیم و دل‌های ما خدارا ببینند.

دغدغه روشنفکری

اگر خوشبختی حسرت شود



احمد طالبی نژاد

هم بگذرد تا ببینیم فردا چه پیش می‌آید. طبعاً این روز مرمگی عمر ما را تلف می‌کند بی‌آنکه حاصل زیادی داشته باشد.

این روزها جمله‌ای که بهرام بیضایی گفته بود، گاه و بسی‌گاه در ذهنم مرور می‌شود. در گویی خصوصی‌که با هم داشتیم، در باب اینکه در این شرایط چه باید کرد، آقای بیضایی پاسخ داد: «باید کار کرد!» این همیشه در ذهن من ماند، اینکه در هر شرایطی بهترین کار این است که آدم کار کند، حتی اگر امیدی برای به بار نشستن و به سرانجام رسیدن کارش نداشته باشد.

من اساساً آدم امیدواری نیستم اما از تنبلی ذهنی همم گریزانم. این روزها هم که دوباره موجی از دلسردی روزمژگی‌هایم را بر کرده، وقتم و زمانم را بین دو کار تقسیم کرده‌ام؛ یکی خواندن کتاب و دیگری نوشتن.

ممکن است در این میسان گذرم به تماشای

هشتگ روز

قاعده بازی را پیدا کنیم

دیروز، روز جهانی بازی بود و اهالی توئیتر فارسی بر خلاف رسم هیشگی توجه به این روزها و حرف زدن درباره اهمیت سوزه، توجه چندانی به آن نداشتند. اگر هشتگ «روز_جهانی_بازی» را بسرج می‌کردید، چند بیست و نوشته کوتاه درباره این سوزه بیشتر وجود نداشت، اما می‌توانستید روایت‌های دیگری را در پایین همان نوشته‌ها؛ روایت‌هایی از «بازی» و مفهومش در ذهن کاربران توئیتر را بخوانید. روایت‌هایی که از مفهوم «بازی» به عنوان «فوتبال» استفاده شده بود یا از «بازی» به معنای رفتارهای پیچیده و نامشخصی که در اجتماع و میان افراد وجود دارد و معمولاً نویسنده نوشته به آن اعتراض دارد. در دایره لغات الهی توئیتر فارسی «بازی» و مفهوم اصلی‌اش که یک سرگرمی لازم و واجب برای کودکان است و حالا روانشناسان می‌گویند که انسان‌های بالغ نیز به آن نیاز دارند، وجود نداشت. همین شد که امروز به جای نوشتن از یک هشتگ پر مخاطب، سراغ هشتگ «بازی» رفتم تا ببینیم که در پس ذهن ایرانی‌های توئیتر، مفهوم بازی چطور تعریف می‌شود. آنچه می‌خوانید مجموعه‌ای از این توئیتهاست که به توضیح اضافه نیاز ندارد: «بازی دادن آدم‌ها هم جزو بازی حساب می‌شه؟» «دو روز پیش می‌گفتن تماشای بازی‌های جام جهانی توی کافه‌ها مشکلی نداره، الان می‌گم ممنوع شده، درسته؟»، «جمعه ۲۵ خرداد روز عروسی

شلیک از فاصله نزدیک سید عبدالجواد موسوی

دفاع متحجران از ملک مطیعی



خدا بیامرزاد ناصر ملک‌مطیعی را که نه تنها بر پرده سینما لوطی‌گری و جوانمردی را نقش می‌زد که در عالم واقع نیز از این صفات بهره‌دار داشت. اما هر چقدر او نجیب و شریف و آزاده بود این موجوداتی که سعی دارند از جنازه او چماقی بسازند علیه یک جریان سیاسی بویی از مهر و معرفت و مروت نبرده‌اند. اینکه عده‌ای جوان تندرو در اوایل انقلاب به حذف آقای ملک مطیعی و امثال او کمربستند نکتاتی نیست که کسی از آن مطلع نباشد. از سرنوشت اغلب آن جوانان پر شور نیز همگان مطلعند. بخشی از آن وقایع ناخوشایند به خامی و اقتضای سن آن جوانان بر می‌گشت و بخشی نیز به شور و اقتضای همه انقلاب‌ها. با این حال کمتر آدم منصفی باقت می‌شود که از آن برخوردها دفاع کند. اما مضحک اینجاست که یک جریان متحجر و عقب افتاده که حتی ربنای شجریان را از مردم دریغ می‌کند این روزها زیر علم ملک‌مطیعی سینه می‌زند و مدافع آزادی و گشایش در ساحت فرهنگ و هنر می‌شود. قبول. حالا که این طور است لطف کنید و از فعالیت باقی هنرمندان دفاع کنید. دست‌کم فضایی فراهم آوری‌د تا پوری بنایی به فعالیتش در سینما ادامه دهد یا بهمین مقیدا را یک بار دیگر به صحنه بیآورد. بدممکن است بگویید امروزه قدرت در دست ما نیست اگر به ما رای بدهید چنان خواهیم کرد که انتظارش را دارید. بعد هم ماجرای تتلو را مثال بزیند و بگوید ما همان آزاداندیشانی هستیم که حتی می‌خواستیم تتلو را وارد میدان کنیم و شماها نگذاشتید. ایرادی ندارد. ما از شما عذر می‌خواهیم. این بهانه را نیز از شما می‌پذیریم و امیدواریم با این تلاش شبانه‌روزی و همتی که دارید به خرج می‌دهید به زودی قسوم‌مجرب راهم در اختیار بگیرید تا بتوانید باعث گشایش در عالم فرهنگ و هنر شوید اما تا آن زمان دست‌کم در حرف و ادعا که می‌توانید از فیلم‌های توقیفی و هنرمندان ممنوع تصویر دفاع کنید نمی‌توانید؟

دعای روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

اللهم طهرنی فیہ من الدنس والأقذار وصبرنی فیہ علی کائنات الأقدار و وقفتنی فیہ للتقی و صحبہ الأکبر اربعونک یا قرة عین المساکین.

خدا یا پاکیزه‌ام کن در این روز از چرک و کثافت و شکیبایی‌ام ده در آن به آنچه مقدر است بر دارم کن و توقیف‌ده در آن برای تقوی و همنشینیی با نیکان به یاری‌ات ای روشنی چشم‌مستمندان.

تیت‌ر مصور | دربارہ یک ملاقات

پک



اعتقاد

Info@etemadnewspaper.ir

www.etemadnewspaper.ir

آیین نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سايت بخوانيد

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: الیاس حضرتی
- جانشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری: پهلوز بهزادی
- سردبیر: سیدعلی میرفتح
- معاون اجرایی: حجت طهماسبی
- مشاور مدیرمسئول: محمد حضرتی
- رئیس سازمان آگهی‌ها: علی حضرتی
- نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پن بست مینو
- تلفن خانه:۲۵۰۶۶۱۲۴ – ۶۶۱۲۴۰۲۴ – شماره:۲۲۰۴۰۱۳۴۰۶۶۱
- توزیع: نشر گستر امروز – تلفن: ۶۹۲۳۰۰۰
- چاپ:نشر روزتاب – تلفن:۴۴۵۴۵۰۷۶

■ اذان ظهر:۱۳/۰۲ ■ غروب آفتاب: ۲۰/۱۲ ■ اذان مغرب: ۲۰/۲۲ ■ اذان صبح فردا: ۴/۰۷ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵/۵۱

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتح

عیار دولت

دیروز در صفحه دو اعتماد جدولی منتشر کردیم با عنوان «عیار کابینه؟» همکارانم با دقت و حوصله کارنامه دولت روحانی را ورق زدند و توفیقات این چندساله را از انبوهی کاغذ و خیر بیرون کشیدند و فهرست کردند. جالب اینکه برخلاف انتظار ما هیچ منبعی از طرف دولت یا از طرف هر نهاد و سازمانی چنین کاری نکرده بود و برای عیارسنجی کابینه مستداتی را حاصل نیاورده بود. این را تا اینجا داشته باشید تا اخبار دیروز قولی از دادستان محترم تهران را نقل کنیم: «سهانه‌هاطوری عمل نکنند که جلوه‌گر ناکارآمدی نظام باشد.» قطعاً نظام اعم از دولت است اما هر طور حساب کنیم و هر معیاری به دست بگیریم دولت جزئی از نظام خواهد بود و کارآمدی یا ناکارآمدی‌اش بر کارآمدی یا ناکارآمدی نظام تاثیر خواهد گذاشت. منظور اینکه اگر کسی از صبح تا شب دولت جمهوری اسلامی را در همه عرصه‌ها ناکارآمد نشان دهد و توی سرش بزند، خواسته و ناخواسته نظام را ناکارآمد نشان داده عمل نمی‌کند. نظام یک امر انتزاعی نیست، کارآمدی‌اش نیز در آسمان محاسبه نمی‌شود. جمع جبری توفیقات اجزاء نظام است که موفقیت نظام را باعث می‌شود. سوال اینجاست که بینی و بین‌الله چه کسی دارد نظام را ناکارآمد نشان می‌دهد؟ عیب ناکارآمد نشان دادن دولت/نظام این است که نامیدی و ناامی‌ی در پی دارد و فتره‌رفته مردم را از راه‌های حکمرانان بازمی‌دارد. وقتی خطبا و بعضی روزنامه‌ها مثل نامه‌های کندی و بیست و چهار ساعته توی پَس و سیاه‌نمایی ناکارآمدی بر سر دولت و طرفدارانش می‌بارند، توقع دارید حال و روز مردم چگونه باشد؟ مردم امیدواری که باذوق و شوق چندین و چند بار به میدان انتخابات آمدند و به بهترین نحو در نظام سیاسی کشور مشارکت کردند، وقتی اینچنین مورد حمله و ملامت قرار می‌گیرند چه باید بکنند و چگونه باید به فرای روشن خود امید ببینند؟ هم شبکه‌های ماهواره‌ای و هم منتقدان دولت هیچ نقطه مثبتی در عملکرد دولت نمی‌بینند، هیچ نشانی هم از صلاح و فلاح در پیشانی دولت‌مردان تدبیر و امید رویت نمی‌کنند. عجیب اینکه دستگاه رسانه‌ای و تبلیغاتی دولت هم عین خیالش نیست، قدم از قدم بر نمی‌دارد و تا آنجا که من روزنامه‌نگار دنبالی می‌کنم هول و ولا ندارد، سهل است، حوصله در گیر شدن بر سر چنین موضوعات پیش یا افتاده‌ای را ندارد. تنها معدودی روزنامه و روزنامه‌نگارند که بی‌جیره موجب پای عهد خود و پای دولت منتخب ایستاده‌اند و حمایت از او را وظیفه شرعی و ملی خود می‌دانند. تقریباً تبدیل به یک امر بدیهی شده‌است که روحانی در اقتصاد ناکام است و در همه بخش‌های اقتصادی‌اش سر به سنگ خورده. این امر چنان مشهور شده که گویی خود دولت هم در مباحثاتش آن را مفروض می‌گیرد. اما واقعیت این است که اتفاقاً دولت در این امر چندان بی‌توقیق هم نبوده. چون طرفدار تدبیر و امید هستم، سفیدنمایی نمی‌کنم و شما را امید واهی نمی‌دهم. نه اینکه ملت شهباسفره‌شان را جلوس‌ی اخبار شبکه‌فلن و بهمان می‌اندازند، باعث شده تا پاشنی ن‌ماهدی را لقمه‌لقمه فرد بدهند و در اعماق ذهن و ضمیرشان نفی کنند. «از این حسن نیتش هم کاری بر نیامد، او هم دادی از ما ندانده.» فکر نکنید آنهایی که ماهواره نمی‌بینند و کماکان با رسانه ملی در پیوند وضع و حال بهتری دارند، گاهی در رسانه ملی خند ناکارآمدی دولت را از جگر می‌کنند که صد رحمت به مطب قایل لامل دیدیم. همه کسب فوٲت آقای ملک‌مطیعی بازخوانی تاریخی کرده بودند و توپ خانه‌نشینانی آن مرحوم را به زمین اصلاح‌طلبان انداخته بودند. سلیمان شک تکنید که در ابتدای امر اصلاح‌طلبان هم در این کار دستنی داشته‌اند اما قسه سی و پنج سال پیش چه ربطی به الان دارد؟ اگر بخواهید با همین دست‌فرمان سرر هر قشیه‌ای که می‌شود به دنبال مسبب اصلی بگردید، می‌دانید ممکن است از چه جاهایی سر بیرون آوری‌د؟ حرف توی حرف آمد حرف اصلی‌ام ماند. می‌خواستیم به حضور باه‌النور دادستان محترم برس‌انم که اگر می‌خواهید ببینید چه کسی دارد بر طبل ناکارآمدی و ناامیدی و سیاه‌نمایی می‌کوبد کافی‌است بفرمایید با همان دقتی که روزنامه‌های این‌طرفی (ای‌می‌خوانند، بقیه‌را هم بخوانند)سند بعضی اخبار را بشنوند.

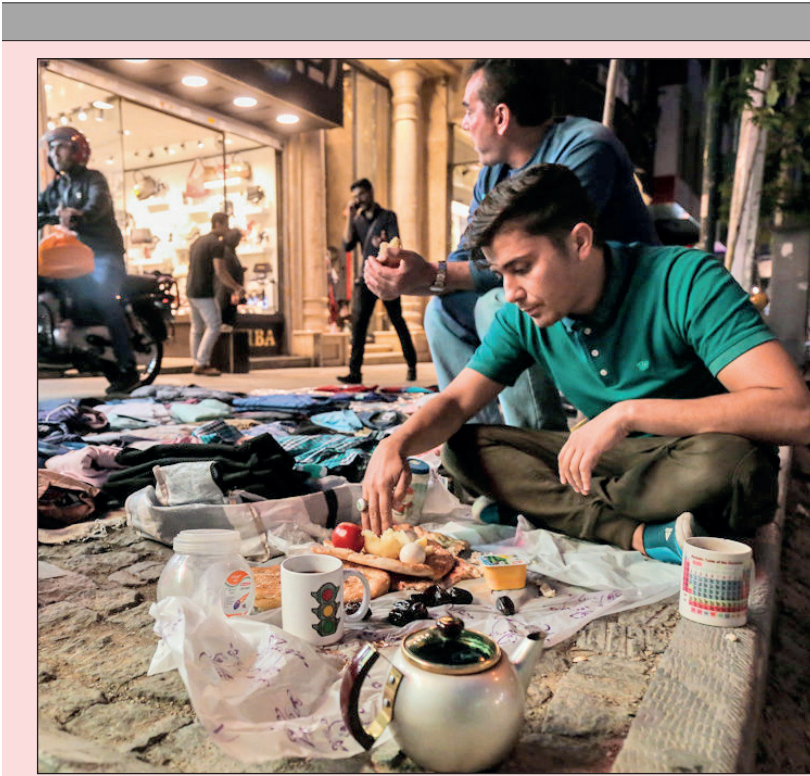
متن در حاشیه

دست برداشت از این در وطن خویش غریب



کاوه فولادی نسب

به آن پناه می‌گیرم و هم در عین حال به واسطه آنها دغدغه‌های ذهنی‌مان را بازتاب می‌دهیم. به هر حال که شرایط همیشه بر وفق مراد ما پیش نمی‌رود اما زندگی در جریان است و این وصله‌های زندگی آدم‌هاست که می‌تواند نجات‌بخش دوران بی‌حوصلگی شود. این‌چوَر وقت‌ها احمدرضا احمدی می‌گوید: «خوشبختی ما این است که هیچی نداریم، پول نداریم، رفاه نداریم ولی کتاب داریم، فیلم داریم… بیچاره آنهایی هستند که اینها را ندارند» و این امکان را ندارند که به کتاب پناه ببرند.» واقعیت این است که از این جهت من احساس خوشبختی می‌کنم. هر چند مفهوم خوشبختی ما هم مثل خیلی چیزهای دیگر به غلط در مملکت ما جا افتاده و بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر رفاه کامل داشته باشند، خوشبخت هستند. اما این‌طور نیست. خوشبختی یک مفهوم ذهنی است و هر آدمی ممکن است در یک لحظه احساس خوشبختی کند و در لحظه‌ای دیگر نه و اصلاً حالت پایداری نیست. اما افسردگی کلی که بر فضای روشنفکری حاکم شده، باعث شده احساس خوشبختی لحظه‌ای هم برای خیلی از آدم‌ها گاهی به حسرت تبدیل شود.



فرقی نمی‌کنند تابستان باشد یا زمستان. ماه رمضان در هر فصلی شبهای شهر را زنده می‌کند و برای یک‌ماه‌فرت همنشینی و همراهی با شهروندان را به یکدیگر می‌دهد. اتفاقی که در طول سال کمتر آن را تجربه می‌کنیم و مختص همین مناسبت‌ها و اعیاد خاص است. اگر این‌روزها و زمان افطار در سطح شهر بچرخیم، سفرهای افطاری را می‌بینید که در مغازه‌ها حتی گوشه خیابان پهن شده و روزهدارانی که به سادگی افطار می‌کنند. این تصویر زیبا و منحصر به فرد را از دست ندهید و برای یک‌ماه ذهن خود را پر از تصویری کنید که از زندگی ساده‌و آسان در کنار باقی شهروندان حکایت می‌کند. عکس را خبرگزاری مهر منتشر کرده‌است.

عکس نوشت

#بازی



یکی از فامیل‌های نزدیک‌مونه، ایران هم با مراکش بازی دارد. شل مغزی چیزی هستین، اون روز رو گذاشتین؟!»، «بازی حق کودکان است و نابودی سهم کودکان نیست». «بازی زمنه هم بازی حساب می‌شه دیگه؟!»، «به سری از فالوورها هم هستن نقش دکور رو بازی می‌کنن»، «هنوز فکر می‌کنم تابستون‌ها می‌تونم برم تو کوچه و با بچه‌ها بازی کنیم». «به خدا قوت هم بگیریم به اون عزیزکی که اون نقشی که دوست داشت تو زندگی داشته باشه، واسه ما بازی کرد»، «به‌جای شعار دادن، قاعده بازی را پیدا کنید»، «در بسازی زندگی یاد می‌گیری اعتماد به حرف‌های قشنگ بدون پشتوانه مثل آویختن به طنابی پوسیده می‌مونه»، «چه بازی‌ای خوردیم…»، «از حس می‌گویند آنهایی که احساس را نمی‌فهمند، تو را به بازی می‌گیرند، آنهایی که خود با یچه‌یچه هستند»، «در نظر بازی ما بی‌خبران حیرانند، من چنینم که نومود دگر ایشان داند»، «فکر می‌کردیم بدون عشق هنوز کتاب، موسیقی، بازی و سینما برای لذت بردن باقی می‌مونه… اما هیچ کدام بی‌عشق لذت نداشتن»، «هیچ‌وقت از مرحله بعدی بازی زندگی ترس، عین مرحله قبل می‌مونه، با آپگرید و اسلحه‌های جدیدتر»، «حتی اگر کل این دنیا و آدم‌های داخلش فقط به بازی بزرگ باشن، مهم اینه که من قواعد بازی رو بلدم» و «این بازی تلگرام تموم نمی‌شه؟! باشه شما بردین، قبول…».